

چشم ایران به افغانستان دوخته شده است

به قلم فرزین ندیمی (/fa/experts/frzyn-ndymy/)

۳ اوت ۲۰۲۱

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/iran-sets-its-eyes-afghanistan

العربية (/ar/policy-analysis/ayran-trkz-ahtmamha-ly-afghanistan/)

درباره نویسنده



فرزین ندیمی (/fa/experts/frzyn-ndymy/)

او پیش از این برای موسسه واشنگتن در باره استراتژی تهران در باره استفاده از جنگ افزارهای دریایی ایران در جنگ نامتقارن نوشته است



تحلیل کوتاه

تهران همزمان با اعزام نیروهای نظامی بیشتری در امتداد مرز با افغانستان بدون شک در حال بررسی گزینه‌های خود برای تضمین منافعش در کشور همسایه است خواه با آغاز جنگی نیابتی دخالت مستقیم همکاری با طالبان یا تلاش برای حفظ وضع موجود

وضع امنیتی رو به وخامت دولت افغانستان و سقوط پی‌درپی بخش‌های کشور به دست طالبان چنین پیداست که ایران را نگران کرده است اما جمهوری اسلامی همزمان ممکن است این تحولات جدید را فرصتی برای تقویت نفوذ محلی و کسب امتیازات بیشتر علیه آمریکا ببیند در ۷ و ۸ جولای وزارت خارجه ایران میزبان نمایندگان از دولت افغانستان و طالبان بود تا برای پرکردن سریع شکاف دیپلماتیک ناشی از خروج نیروهای آمریکایی و همچنین بیان نگرانی‌های امنیتی خود تلاش کند

تهران علاوه بر دیپلماسی در حال تقویت نیروهای نظامی در مرز افغانستان بوده است ویدیوهای موبایلی که اخیراً در شبکه‌های اجتماعی پست شده ستون‌هایی از تجهیزات سپاه پاسداران و ارتش ایران را در حال انتقال به مرز افغانستان نشان می‌دهد از جمله تانک نفربر زرهی سامانه‌های شنود و پایش و تجهیزات تدارکاتی علاوه بر این‌ها گفته می‌شود که نیروی هوایی تعدادی از جت‌های جنگی خود را در پایگاه‌های شرقی در حال آماده‌باش قرار داده است

گرچه ارتش ایران از سال ۲۰۱۸ در ۹۴۵ کیلومتر مرز با افغانستان مسئولیت دفاعی داشته تهران ممکن است گزینه‌های تهاجمی خود در افغانستان را هم سبک سنگین کند هرگونه عملیات عمده داخل خاک افغانستان به دست یگان‌های سپاه که مجهزترند و با پشتیبانی عناصر نیروی قدس که گمان می‌رود هم‌اکنون در افغانستان فعال اند انجام خواهد شد

تاریخچه پیچیده ایران در افغانستان

فعالیت‌های ایران در افغانستان معمولاً در حاله‌ای از ابهام است و طیفی از اهداف را شامل می‌شود: از مقابله با حضور نیروهای ائتلاف تا مهار طالبان آمریکا و دولت‌های افغانستان علاوه بر بازیگران دیگر نیروهای قدس را متهم کرده‌اند که همسو با استراتژی کلی‌تر ایران برای بیرون راندن آمریکا از کل منطقه طالبان را به تحمیل تلفات و خسارات مادی بیشتر بر نیروهای ائتلاف و تسریع خروج آمریکا تشویق می‌کند

این هدف مستلزم آن بوده که تهران بازی ظریف همکاری و بازدارندگی همزمان را در قبال طالبان پیش بگیرد. به ویژه در ولایت‌های هرات، فراه و نیمروز از یک سو نیروی قدس احتمالاً همکاری‌های بالقوه با طالبان را بر سر مسائلی چون تغییر حکومت محلی و آسیب‌زدن به منافع آمریکا بررسی کرده و از سوی دیگر ظاهراً از اعضای نیروی قدس خواسته شده که از درگیری با واحدهای طالبان پرهیز کنند تا از مواردی مشابه رویداد مزار شریف در ۱۹۹۸ اجتناب شود (پایین‌تر را ببینید).

در ۲۷ ژانویه علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با ملا عبدالغنی برادر رئیس هیئت دیپلماتیک طالبان که از دفتر خودش در قطر به تهران سفر کرده بود ملاقات کرد. گرچه شمخانی این گروه را به خاطر استواری‌اش در جنگ با آمریکا ستایش کرد اما گفت که تهران هیچ یک از جناح‌های افغان را که به زور به قدرت برسند به رسمیت نخواهد شناخت. ملا برادر برای کاهش این‌گونه نگرانی‌ها پیشنهاد داد طالبان به ایران برای تامین امنیت مرزش با افغانستان کمک کند. محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران که از حاضران نشست‌های ژانویه بود نیز از یک «دولت اسلامی» فراگیر در کابل که دربرگیرنده تمام اقوام و فرقه‌های مذهبی باشد حمایت کرد.

درواقع رهبران ایران مشتاق حفاظت (و در نتیجه کنترل) گروه‌های مسلمان شیعه در افغانستان هستند. خصوصاً حالا که طالبان سنی برای اولین بار دو شهر شیعه را در ولایت بامیان اوایل این ماه به کنترل خود درآورده است. گرچه تایید داده‌های مرتبط با تنوع فرقه مذهبی در افغانستان دشوار است. برآورد می‌شود ۱۵ تا ۲۹ درصد جمعیت این کشور شیعه باشند (عمدتاً شیعه دوازده امامی که در جمهوری اسلامی اکثریت دارد در کنار گروهی از شیعیان اسماعیلی). نقشه‌های جمعیت‌شناختی

عمدتاً در مرکز کشور و گروه‌های کوچک‌تر در شمال غرب (خصوصاً هرات) و جنوب غرب متمرکز هستند (https://gulf2000.columbia.edu/images/maps/Afghanistan_Religion_summary_lg.png) نشان می‌دهد که این شیعیان

عمدتاً در مرکز کشور و گروه‌های کوچک‌تر در شمال غرب (خصوصاً هرات) و جنوب غرب متمرکز هستند.

با توجه به این‌که ایران و طالبان در گذشته تا مرز جنگ واقعی پیش رفتند احتمال برخورد بین دو طرف را نمی‌توان منتفی دانست. در ۱۹۹۸ این گروه هشت عامل نیروی قدس و یک خبرنگار را در کنسولگری ایران در مزار شریف به قتل رساند که نزدیک بود به حمله نظامی تلافی‌جویانه تهران بینجامد. مطابق نقشه‌ای که قاسم سلیمانی فرمانده فقید نیروی قدس در همکاری با ائتلاف شمال افغانستان تهیه کرد نیروهای ایرانی قرار بود هرات را تصرف کنند و منابع طالبان را در آنجا از بین ببرند. تا ائتلاف بتواند کابل را بگیرد و با نیروهای ایرانی در هرات وصل شود. از قرار علی خامنه‌ای رهبر ایران به سلیمانی چهل و هشت ساعت مهلت داده بود تا به این اهداف برسد و سرعاً عقب‌نشینی کند اما این عملیات نهایتاً به دلایل متعدد از جمله نگرانی‌های اجسنتیکی و سیاسی کنار گذاشته شد.

مقاصد و سناریوهای فعلی ایران

در حال حاضر تهران ظاهراً در حال بررسی سه گزینه برای اجتناب از بی‌ثباتی‌ها در افغانستان و پیشبرد منافع خود در آن‌جاست: (۱) حمایت پنهان یا علنی از تصرف حکومت به دست طالبان و همزمان دستیابی به توافقات تاکتیکی و استراتژیک با این گروه برای مهار فعالیت‌های آن (۲) آغاز جنگ نیابتی با این گروه یا (۳) مداخله مستقیم.

حمایت از تصرف دولت به دست طالبان بسیاری در ایران کنترل طالبان بر افغانستان را تنها گزینه سیاسی ممکن می‌دانند یا دست‌کم تنها گزینه برای یک حکومت اسلامی که با آن روابطی حسنه برقرار کنند. شاید به دلیل همین نگرش بوده که مدتهاست تسلیحات ایرانی از آن سوی مرز سر در می‌آورند. بسیاری از این سلاح‌ها را طالبان طی سال‌ها مصادره کرده است و هر چند که تهران ممکن است آن‌ها را مستقیم تامین نکرده باشد دست‌کم برخی از این سلاح‌ها هم‌خانواده همان تسلیحاتی است که در میان گروه‌های شیعه در عراق در شورش‌شان بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ مشاهده شده است (مثلاً رخنه‌گرهای انفجاری که طالبان به آن‌ها «اژدها» می‌گویند).

تهران به تاب‌آوری طالبان احترام می‌گذارد و دو طرف به‌رغم اختلافات ایدئولوژیک‌شان مشترکات زیادی دارند. از جمله دیدگاه‌های رادیکال و خصومت‌شان نسبت به آمریکا. این نزدیکی متقابل می‌تواند راه را برای همکاری استراتژیک آینده هموار کند. به شرط آن‌که طالبان مایل باشد برای حفظ منافع شیعیان افغانستان تضمین‌های معتبر بدهند.

در غیاب چنین تفاهماتی تهران احتمالاً نگران این است که کنترل طالبان حتی دست‌بازتری به عناصر افراطی‌تر در افغانستان بدهد. از جمله – و مهم‌تر از همه – فرقه‌های سلفی که ممکن است علناً به گروه‌های شیعه حمله کنند و موج بزرگی از پناهندگان به ایران شکل گیرد. اما مقامات ایران و طالبان شاید بخواهند با خودداری فعلی از درگیری و همکاری در سطح تاکتیکی این‌گونه نگرانی‌ها را محدود کنند.

آغاز جنگ نیابتی تهران با بهره‌وری از تجربه خود در عراق و سوریه ممکن است بخواهد از شبه‌نظامیان استفاده کند تا مانع کنترل کامل طالبان بر افغانستان شود. تهران هم‌اکنون سلاحی موثر برای این سناریو دارد: لشکر با تجربه **فاطمیون**

(<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-afghan-and-pakistani-proxies-syria-and-beyond>) که

گروهی شبه‌نظامی متشکل از جنگجویان افغان است و نیروی قدس از سال ۲۰۱۲ آن‌ها را برای جنگ در سوریه به خدمت گرفته و تعلیم داده و تجهیز کرده است. تشکیل گروه‌های دیگر شبه‌نظامی در افغانستان هم از طریق سازمان‌دهی و تعلیم هزاران شهروند محلی

که نومیدانه به دنبال هر گونه شغلی می‌گردند امکان‌پذیر است. چنین گروه‌هایی احتمالا تحت فرمان کهنه‌کارهای فاطمیون افسران نیروی قدس و جنگ‌سالاران سابق ائتلاف شمال قرار خواهند گرفت.

مداخله مستقیم اگر هدف ایران حمایت از دولت مرکزی افغانستان یا گستردن چتر حمایتی روی جمعیت شیعه و/یا حفظ وضع موجود از طریق ممانعت از پیروزی کامل طالبان باشد ممکن است اقدام نظامی مستقیم‌تری را برگزیند. مثلا می‌تواند عملیاتی را با تمرکز بر فتح سریع مرکز ولایت هرات آغاز کند که سنگری سنتی برای ایران بوده است. اما چنین اقدامی می‌تواند نهایتا بسیار پرهزینه باشد چون مستلزم آن است که ایران نیروی نظامی قابل‌توجهی مستقر سازد و به خطوط تدارکاتی طولانی و آسیب‌پذیری متکی باشد. به احتمال بیشتر رژیم سعی خواهد کرد منطقه حائل در سوی افغانستانی مرز ایجاد کند و پلی زمینی به مناطق شیعه بزند و احتمالا این کار را با استفاده از یگان‌های فاطمیون و با حمایت توپخانه سنگین سپاه پاسداران، پهپادهای مسلح، مهمات پرسوزن و شلیک موشک‌های دقیق‌زن انجام خواهد داد.

نتیجه‌گیری

تحركات نظامی اخیر ایران در مرز افغانستان ممکن است صرفا اقدامات احتیاطی دفاعی باشد و یا طرحی تدارکاتی برای یک حمله فرامرزی. در هر صورت باید این احتمال را جدی گرفت که ایران شاید در فکر «سوریه‌سازی» یا «عراق‌سازی» افغانستان باشد. مثلا با استفاده از گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی برای ایجاد یک پناهگاه امن شیعی در ولایت هرات و جاهای دیگر. به مرور زمان چنین راهبردی می‌تواند منجر به خلق یک نیروی نظامی قدرتمند مورد حمایت ایران به موازات نیروهای تامینی افغانستان شود. بسیار شبیه آنچه که در مورد حشد شعبی در عراق اتفاق افتاده است (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/honored-not-contained-future-iraqs-popular-mobilization-forces>). پس هرگونه انتقال نیروهای فاطمیون از سوریه به افغانستان باید به دقت رصد شود.

مطمئنا تلاش برای گسترش نفوذ ایران در افغانستان می‌تواند از پول و منابع برای دیگر عملیات‌های منطقه‌ای رژیم کم کند. اما همچنین می‌تواند در خدمت هدف راهبردی تهران برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای باشد.

در مورد احتمال حمله به اهداف آمریکا عناصر ایران می‌توانند با بهره‌وری از هرج و مرج در افغانستان به عملیات علیه دیپلمات‌ها یا اماکن دیپلماتیک آمریکا در کابل یا جاهای دیگر دست بزنند یا از این گونه حملات حمایت کنند. همچنین قتل عام بیست و دو نیروی ویژه افغان که تعلیم‌دیده آمریکا بودند به دست طالبان که در ۱۳ جولای در ولایت فاریاب رخ داد نیاز مداوم به حمایت نظامی مستقیم را برجسته می‌کند. خصوصا دوام عملیات‌های هوایی و پهپادی که مبدأ آنها پایگاه‌های ستاد فرماندهی آمریکا (سنتکام) باشد می‌تواند به ارتش افغانستان کمک کند نیروهای طالبان را در سراسر این کشور عقب براند و تضعیف کند.

فرزین ندیمی هموندیار انستیتو واشنگتن و متخصص امور امنیتی و دفاعی ایران و منطقه خلیج فارس است.

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریه ۲۰۲۲ ۱۱

Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



BRIEF ANALYSIS

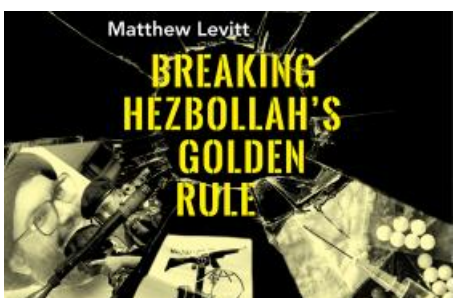
[Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism](#)

۱۱ فوریه ۲۰۲۲



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

[Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule](#)

۹ فوریه ۲۰۲۲



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/\)](#) نظامی و امنیتی

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/ayran/\)](#) ایران